

ما ملت امام حسینیم



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد

مصطفی و آل طاهرینش

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

(احزاب ایه 33)

همانا خدا چنین می خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما اهل بیت

ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند

یکی از بزرگترین الگوهای سعادت و کمال، امام حسین علیه السلام می

باشند.

خداوند، سیدالشهدا را الگوی همه ملت‌هایی که می خواهند در مقابل

ظالمان و طاغوتها بایستند و استقلال و حریت خود را حفظ کنند قرار داد.

رهبر هندوها گفت: امام حسین علیه السلام به همه بشریت فهماند که

زیر سم اسب میروم ولی زیر بار ظلم نمیروم...

هر ملتی که سیدالشهدا را الگوی خود قرار دهد یقیناً از زیر ظلم و ستم نجات پیدا خواهد کرد همانطور که ملت ایران با پیروی از امام حسین علیه السلام به رهبری حضرت امام توانستند از زیر ستم شاهان نجات پیدا کنند و به استقلال و آزادی دست پیدا نمایند.

نظام جمهوری اسلامی توانست انسانهای بزرگی را تربیت کند که یکی از آنها **سردار قاسم سلیمانی** سردار دلهاست.

سردار سلیمانی قهرمان ملت ایران بلکه قهرمان ایران و لبنان و فلسطین و عراق و سوریه است.

او در زمان فرماندهی سپاه قدس، ضربات بزرگی به استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی وارد نمود و داعش را تارومار کرد و نابود نمود و دلهای مظلومان را شاد نمود. او مکتبی بنا کرد که همه مبارزان راه آزادی و همه ولایتمداران شاگرد اند.

مکتب سلیمانی مکتب انسانهای مبارز است. مکتب انسانهای ازاده است. مکتب انسانهای ولایتمدار است....

این گفتار او معروف است که **ما ملت امام حسین هستیم...** یعنی رهبر و

مولا و ارباب ما امام حسین(ع) است و ما راه او را می رویم.

ما در این کتاب پیرامون این گفتار ،مطالب متنوعی آورده ایم.

پاییز 1403-کرمانشاه

ما ملت امام حسینیم

ملت ایرات در عشق و ارادت به سیدالشهداء(ع) بی نظیرند.

یک زن فرانسوی که در زمان قاجار از ایران بازدید کرده نوشته است:

مردم ایران طوری برای امام حسین(ع) گریه می کنند که گویا امام

حسین(ع) همین دیروز شهید شده است...

علمای اسلام معتقدند یزیدیان می خواستند دین اسلام را از بین ببرند

ولی قیام حسینی باعث حفظ دین شد لذا امام حسین علیه السلام و

یارانش به گردن همه مسلمانان حق دارند.

باید برای تداوم دین راه امام حسین علیه السلام ادامه یابد.

حضرت امام می فرمود ماهرچه داریم از محرم و صفر است. و می

فرمود: ما ملت گریه هستیم. گریه برای امام حسین(ع) جزو واجبات ما

هست...

پیروزی انقلاب اسلامی مرهون قیام حسینی

انقلاب اسلامی از محرم شروع شد. و با پیروی از حماسه حسینی به پیروزی ختم گردید.

در هشت سال دفاع مقدس، رزمندگان اسلام با پیروی از کربلایان توانستند بر دشمن بعثی پیروز شوند.

سپاه قدس به رهبری سردار سلیمانی با پیروی از سالار شهیدان و یارانش توانست بر داعش و گروههای تکفیری پیروز شوند.

حزب الله لبنان با توسلات و عرض ارادتها به سیدالشهداء(ع) در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاده اند....

ویژگی های ملت امام حسین(ع)

1- اولین ویژگی ملت امام حسین(ع) **ولایتمداری** است. ملت ایران پیرو ولایتند. پیرو امیرالمومنین(ع) هستند. پیرو امام حسینند. پیرو امام زمانند و...

مردمی که پیرو ولایتند شکست ناپذیرند. ما هرچه داریم از ولایت است. از عشق مردم ایران به اهل بیت(ع) است. عشق به ولایت از همان کودکی در تمام وجود شیعیان قرار دارد و هیچگاه نمی توان ملت ایران را از اهل بیت(ع) جدا نمود. و این رمز قدرت و شکوه ملت ایران است. زیرا اهل بیت(ع) کشتی نجات هستند. آنها نور هدایتند. با تمسک و توسل به آنها انسانها نجات می یابند. با توسل به آنها ملت ها پیروز می شوند.. در زمان غیبت امام زمان علیه السلام مردم ما پیرو ولایت فقیه هستند. و پیروی و اطاعت از ولی فقیه را مساوی با اطاعت از امام زمان علیه السلام

می دانند. و بر اثر پیروی از ولی فقیه است که ملت ایران این چنین در مسیر پیشرفت مادی و معنوی قرار گرفته است که به قله نزدیک شده است.

2-دومین ویژگی ملت امام حسین(ع)؛شهادت طلبی و نترسیدن از مرگ

است.مانند اصحاب امام حسین(ع) که هیچ از مرگ نمی هراسیدند. مانند رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس که ارزوی شهادت داشتند ومانند رزمندگان فلسطین و حزب الله لبنان و...

ملت ایران در طول انقلاب شهدای فراوانی تقدیم اسلام کرده است . از رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس قوه قضاییه تا نمایندگان مجلس و ورزا و شهدای محراب تا بیش از دویست هزار رزمنده و مدافعین حرم و دانشمندان هسته ای و شهدای امنیت و شهدای سلامت و شهدای ترور و...

ولی هرگز ملت ایران مایوس نشدند و راه اسلام را ادامه می دهند.

زیرا برای دین، امامان ما جان خود را فدا کردند. امام حسین(ع) و یارانش
جان خود را برای دین دادند. و شهادت را افتخار می دانستند. شهادت در
راه خدا ارزوی پیامبر(ص) و امامان بوده است.

قال امیر المومنین علیه السلام:

و الذی نفس ابن ابی ایطالب بیده لالف ضربه بالسیف اهون علی من میته
علی الفراش.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

قسم به کسیکه جان فرزند ایطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر
بر من آسانتر از مرگ در بستر است.^۱

حضرت امام در باره شهادت و شهدا فرمود:

شما پیروزید برای اینکه شهادت را در آغوش می گیرید آنهایی که از
شهادت و از مردن می ترسند، آنها شکست خورده اند

بحار الانوار، ج 97، ص 40، حدیث 44¹

3-سومین ویژگی ملت امام حسین(ع)، **استقامت و صبر** است. اگر امام

حسین(ع) و اصحاب فداکارش صبر نداشتند پیروز نمی شدند.

با اینکه، مصیبت و بلای سالار شهیدان عظیم بود ولی صبر حضرت هم

عظیم بوده است. «لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ»؛

امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای که خواند و

اشاره به آینده حوادث و پیشگویی شهادت خویش داشت، فرمود: «**نَصْبِرُ**

عَلَى بَلَاءِهِ وَ يُوقِّينَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ» ؛ ما به رضای خدا رضاییم، بر بلای او

صبر می کنیم، او نیز پاداش صابران را به ما می دهد.

فقط صابران بیایند: امام حسین علیه السلام هر چند یاران و اصحاب

معدودی داشت، ولی این گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و

نصرت هر بی صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که

فقط صابران بیایند و بمانند: «**إِيهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرْ عَلَى حَدِّ**

السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسْنَةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصُرْ عَنَا؛ ای مردم! هر کدام از

شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند با ما قیام

کند [و بماند] و گرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد]

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سرگیرد و بیرون رود از کربلای ما

روز عاشورا و صبر بی پایان: وقتی روز عاشورا فرا رسید و فشار نظامی،
تشنگی و مشکلات دیگر هجوم آوردند، یاران اطراف امام حسین علیه
السلام را گرفتند و نگاه به چهره او دوختند، تا ببینند چه رهنمودی می
دهد . امام حسین علیه السلام به راستی صحنه های بسیار زیبایی از
پشت پرده های صبر را به نمایش گذاشت که به برخی موارد آن اشاره
می شود

خطاب به یاران با چهره ای گشاده و با نفس آرام فرمود: «**صبرا بنی**

الکرام فما الموت الا قنطرة عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة

والنعيم الدائمة؛ ای فرزندان کرامت و شرف! شکيبا باشید، مرگ پلی

بیش نیست که ما را از مشکلات و سختیها به سوی بهشت وسیع و
نعمتهای جاویدان عبور می دهد

و در جای دیگر فرمود: «ان الله قد اذن في قتلکم فعلیکم بالصبر؛ براستی
خداوند اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم
است که صبر کنید

آن گاه که حضرت سیدالشهداء(ع) به زمین افتاده بود و لحظات آخر
عمر خویش را سپری می کرد، آخرین پرده از شکوه و صبر خویش را با
این جملات به عرصه نمایش گذاشت: «صبرا علی قضائک لاله سواک یا
غیاث المستغیثین ولا معبود غیرک، صبرا علی حکمک...

اگر زینب کبری صبر نداشت نمی توانست نهضت امام حسین(ع) را
ادامه دهد.

یارب زنی و این همه استواری و علو

چون زینب صبور مگر آفریده‌ای؟

ملت ایران اگر از ابتدا تا الان استقامت نمی کردند پیروز نمی شدند. ملت ایران همانند امام حسین علیه السلام و یارانش صبور و با استقامتند...

4- چهارمین ویژگی ملت امام حسین(ع)، **مبارزه با ظالمین** است

این دستور امیرالمومنین(ع) است که یاور مظلوم و دشمن ظالم باشید... سیدالشهداء(ع) یاور مظلومین و دشمن ظالمین بود. لذا حضرت با ظالم زمان خود مبارزه نمود تا اینکه به شهادت رسید.

ملت امام حسین(ع) هم این چنین است و مانند ارباب و سالار خود امام حسین(ع)، هرگز زیر بار ظلم نمی رود. لذا مردم ایران به رهبری حضرت امام به پیروی از سیدالشهداء(ع) در مقابل ظالمین و طاغوت ها ایستادند تا آنکه شاه ستمکار را سرنگون کردند و نظام اسلامی را برپا نمودند.

الان در کشورهای اسلامی مانند عربستان و مصر و امارات و غیره حاکمان ظالم حکومت می کنند ولی مردم چون آگاه نیستند و رهبر ندارند ساکتند و زیر بار ظلم زندگی می کنند لذا **ملت امام حسین(ع) نیستند!**

5-پنجمین ویژگی ملت امام حسین(ع)،**شجاعت** است. ملتی که شجاع

باشند دچار ذلت و خواری نمی گردند همانند ملت ایران.

ولی مردمی که ترسو باشند عزت و شرافت خود را برباد می دهند مانند

مردم کوفه در هنگام قیام امام حسین علیه السلام...

ملت ایران از کوچک تا بزرگ شجاعند.لذا شخصیت های بزرگی در

طول غیبت کبری در صفحه تاریخ کشورمان ظاهر شده اند که

مظهر شجاعت و نترسی بوده اند.میرزا کوچک خان جنگلی.نواب

صفوی.سید حسن مدرس.حضرت امام .مقام معظم رهبری.ایه الله

غفاری .سردار سلیمانی محمد حسین فهمیده و...

به نمونه ای از شجاعت ملت ایران اشاره میشود:

روز هشتم آبان ۱۳۵۹، حسین فهمیده نوجوانسیزده ساله ایرانی که

در جبهه خرمشهر حاضر بود مشاهده کرد که پنج تانک عراقی،

مغرورانه رجز می خواندند و پیش می آمدند تا رزمندگان ایرانی را

محاصره کنند و بعد همه شان را به قتل برسانند

تنها راه پیش روی حسین فهمیده، فداکردن خودش برای نجات
همرزمانش بود. حسین سیزده ساله، آخرین نارنجکهای باقیمانده را به
خود بست و به سمت تانکها حرکت کرد. در همین فاصله، تیری به پای
حسین خورد اما او کوتاه نیامد. با همان پای زخمی، کشان کشان خودش
را به اولین تانک رساند و ضامن نارنجکها را کشید.

با صدای انفجار تانک جلویی، چهار تانک دیگر، با این خیال که
رزمندگان اسلام حمله کرده اند، فرار را برقرار ترجیح دادند. بقیه
رزمنده ها تازه متوجه نقشه دشمن برای محاصره شان شدند. آنها با فکر
اینکه نیروی کمکی آمده، جان تازه ای گرفتند و چهار تانک در حال فرار
را هم نابود کردند. مدتی بعد، نیروهای کمکی به خط مقدم رسیدند و آن
قسمت را، از لوٹ وجود متجاوزان بعثی پاک کردند.

یکی از همان روزهای سرد پاییزی، ساعت هشت صبح، رادیو برنامه های
عادی اش را قطع کرد و خبر عملیات شهادت طلبانه یک دانش آموز
سیزده ساله را پخش نمود. پشت آن، پیام حضرت امام را خوانند: «**رهبر**
ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود - که ارزشش از

صدها زبان و قلم ما بزرگتر است - با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید...

6- ششمین ویژگی ملت امام حسین(ع)، پاکدامنی و عفاف و غیرتمندی است.

ملت ایران از گذشته تاکنون مردمی پاکدامن بوده و هستند. از کارهای زشت متنفرند. از الودگی های اخلاقی به دورند. زنها عمومند پاکدامنند. در بین مردم اعمال نامشروع خیلی کم وجود دارد و ازدواج و پاکدامنی در بین ملت ایران بسیار با ارزش است. غیرت مردان نسبت به ناموس خود در ملت ایران یک امر ضروری است. در حالی که فرهنگ غرب در بین کشورهای دنیا نفوذ کرده و مردم را الوده نموده ولی شما در بین ملت های دنیا مردمی به پاکدامنی مردم ایران سراغ ندارید. و این همان چیزی است که اهل بیت(ع) از پیروان خود انتظار دارند. خود امامان ما مظهر پاکدامنی و عفاف و غیرت بوده اند. و ما شیعیان ان حضرات هم باید اینگونه باشیم.

شعارهای امام حسین علیه السلام

برخی از کلمات سید الشهداء«ع» چه در فاصله مدینه تا کربلا و چه در روز عاشورا، دارای پیامهای مؤثر و دیدگاههای الهام بخش برای جهاد و کرامت است. این سخنان یا در ضمن خطبه ها آمده است، یا رجزها و اشعار آن حضرت، و حالت شعاری به خود گرفته است. می توان هدف حسینی و اندیشه ها و روحیه های عاشورایی را از آنها دریافت و آن فرازهای فروزان را شعارهای نهضت عاشورا دانست. برخی از این شعارها چنین است:

1- «**علی الاسلام السلام، اذ بلیت الامة براع مثل یزید**» با اسلام باید خدا حافظی کرد زمانی که یزید قدرت را در دست گرفته است. (این را در پاسخ مروان در مدینه فرمود، که از آن حضرت می خواست تا با یزید بیعت کند).

2- «**و الله لو لم یکن ملجا و لا ماوی لما بایعت یزید بن معاویة**» اگر هیچ پناهگاهی نداشته باشم باز هم با یزید بیعت نخواهم کرد. (در پاسخ برادرش محمد حنفیه فرمود).

3- «**انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برما**» ^{شهادت} در نزد من سعادت است و زندگی در کنار ستمکاران برایم خسارت

است(خطاب به یارانش در کربلا) .

4-«الناس عبيد الدنيا و الدين لعق على سنتهم يحوطونه مادرت
معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الديانون» مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان است
اما در هنگام امتحان، دینداران کم می شوند! (در مسیر رفتن به کربلا در منزلگاه ذی
حسم).

5-«الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه؟ فليغرب
المؤمن في لقاء ربه محقا..» آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و دست از باطل نمی
کشند؟ پس در این موقع مومن باید بدنبال ملاقات با خدایش باشد. (در کربلا خطاب به اصحاب
خویش فرمود).

6-«خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة» مرگ برادری او یخته
شده همانند او یخته شدن گردنبند بر گردن دختران (از سخنرانی امام حسین «ع» در مکه
پیش از خروج به سوی کوفه، در میان جمعی از خانواده، یاران و شیعیان
خویش).

7-«من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله، ناكثا عهده مخالفا لسنة رسول
الله يعمل في عباد الله بالاثم و العدوان فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان
حقا على الله ان يدخله مدخله» هر که ببیند سلطان ظالمی حرام خدا را حلال کرده و عهد الهی را
شکسته و با سنت پیامبر خدا مخالفت کرده و در بین مردم با ظلم و گناه عمل می کند و انسان در این موقع
مقابله با این ظالم با زبان و افعالش نکند بر خدا واجب است او را به جهنم بیاندازد. (در منزلگاه

بیضه، در مسیر کوفه، خطاب به سپاه حر).

8-«ما الامام، الا العامل بالكتاب و الآخذ بالقسط و الدائن بالحق و الحابس
نفسه على ذات الله» امام شخصیتی است که به کتاب خدا عمل می کند و بدنبال عدالت است و به عق
عمل می کند و خودش را وقف خدا می نماید. (امام این صفات امام راستین را در پاسخ به
دعوتنامه های کوفیان نوشت و توسط مسلم بن عقیل به کوفه فرستاد).

9- «سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقا و جاهد مسلما» من
خواهم رفت و مرگ برای جوان عار نیست زمانی که نیتش حق باشد و درحالی که مسلمان است جهاد

نماید. (شعر از دیگری است، اما امام حسین «ع» آن را در پاسخ به تهدیدهای
حر، در مسیر کوفه خواند).

10- «رضی الله رضا نا اهل البیت، نصبر علی بلائه و یوفینا اجر الصابرين
رضایت خدا رضایت ما اهل بیت است. بر بلایش صبر می کنیم و خدا پاداش صابرين را بما خواهد داد.» (در

خطبه‌ای که هنگام خروج از مکه ایراد نمود، خطاب به اصحاب و یاران
فرمود).

12- «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» من برای اصلاح در امت
جدم قیام کرده‌ام. (در وصیت نامه سید الشهدا «ع» به برادرش محمد
حنفیه آمده است که قبل از خروج به سوی مدینه نوشت).

13- «لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار العبید» [لا افر فرار العبید]
هرگز مانند افراد ذلیل دست بیعت نخواهم داد و مانند غلامان اقرار نخواهم

نمود. (در سخنرانی صبح عاشورا، خطاب به نیروهای دشمن فرمود، که
خواستار تسلیم شدن آن حضرت بودند).

14- «هیئات منا الذله، یابی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون...»
ذلت! که خدا و رسول و مومنین از اینکه تحقیر شویم امتناع دارند. (در خطاب به سپاه دشمن

فرمود، پس از آنکه خود را سر دوراهی ذلت و شهادت محیر دید).
15- «فهل هو الا الموت؟ فمرحبا به» ایا راهی جز شهادت نیست پس شهادت خوش آمد. (در

پاسخ عمر سعد، که نامه‌ای به آن حضرت فرستاد و خواستار تسلیم شدن
بود).

16- «صبرا بنی الکرام، فما الموت الا قنطره تعبر بکم عن البؤس و الضراء
الی الجنان الواسعه و النعیم الدائم» ای فرزندان گرامی! صبوری کنید که

مرگ فقط پلی است که شما را از سختی های دنیا به بهشت های وسیع و نعمت های دائمی می رساند. (خطاب به یاران فداکار خویش در صبح عاشورا، پس از آنکه تعدادی از اصحابش شهید شدند).
(که روز عاشورا هنگام پیکار با سپاه دشمن به عنوان رجز حماسی می خواند و شهادت را بر ننگ تسلیم، ترجیح می داد).

18- «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل» مرگ با عزت بهتر است از زندگی با ذلت. (که مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است).

19- «ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم» اگر دین ندارید و از آخرت نمی ترسید لااقل ازاد مرد باشید! در آخرین لحظات پیش از شهادت، وقتی شنید سپاه کوفه به طرف خیمه های حرم او حمله کرده اند، خطاب به پیروان ابو سفیان چنان فرمود).

20- «هل من ناصر ینصر ذریته الاطهار؟» «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله؟» ایا کسی است که ذریه اهل بیت پاک را یاری نماید؟ ایا شخصی هست از حرم رسول خدا دفاع کند؟ (وقتی سید الشهدا ع) این نصرت خواهی و استغاثه را بر زبان آورد که همه یاران و بستگانش شهید شده بودند).^۲

نمونه هایی از عرض ارادت های ملت ایران به سیدالشهداء(ع)

یکی از شهدا در وصیتنامه می نویسد:خدایا تورا شکر می کنم که حسین را آفریدی، ای خدای حسین تورا شکر می کنم که راه پر افتخار شهادت ..را در جلوی پای رزمندگان حق و حقیقت گذاشتی

اینجا وزارت فرهنگ است

یکبار من(فرزند ایه الله العظمی شاه ابادی) به خاطر دارم که در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع آمدند که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورا را بخوان

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدر چاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگوید که در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.^۳

سلام به ابی عبدالله قبل از تکبیره الاحرام

ایه الله العظمی سید احمد خوانساری وقتی می خواستند نماز یومیه بخوانند بعد از اذان و اقامه و قبل از تکبیره الاحرام می فرمودند:

السلام علیک یا اباعبدالله

سپس تکبیره الاحرام می فرمودند. از ایشان علت این عمل سوال شد

^۳ عارف کامل

فرمود: زیرا ما این نماز را از امام حسین علیه السلام داریم. این منبر و مسجد را از امام حسین علیه السلام داریم.^۴

بگویید می‌خواهیم برویم کربلا

حضرت آیت الله بهجت رحمه الله علیه فرمودند:

وقتی که می‌خواهید به روزه بروید، اگر سؤال کردند که کجا می‌روید،
نگویید می‌رویم روزه، بگویید می‌خواهیم برویم کربلا

توجه بسیار زیاد حضرت امام به ذکر مصیبت سالار شهیدان

یکی از نزدیکان امام خمینی که در پاریس در خدمت امام بوده و تمام لحظه‌های شبانه روز معظم له را زیر نظر داشته، نقل می‌کرد که وقتی در پاریس بودیم من مراقب بودم، هر بار که اخبار تلفنی را به امام می‌دادند، و می‌گفتند در تهران و فلان شهر چه شده، مردم را کشته‌اند، به فلان جا حمله کرده‌اند، کجا را گرفته‌اند، عده‌ای را بازداشت کرده‌اند، مسجد کرمان را سوزانده‌اند، به قم حمله کرده‌اند، و طلاب را دستگیر

^۴ <http://maarefedini.persianblog.ir/post/65/>

کرده و به زندان انداخته ، یا انقلابیون را در زندان به سختی شکنجه داده اند، و از این قبیل اخبار وحشتناک، هر بار حاضران به سختی می گریستند، ولی امام فقط گوش می دادند و چنانکه شأن یک رهبر انقلابی است، صبر انقلابی می نمودند. اما همین که یکی از حاضران به مناسبت ماه محرم شروع به خواندن روضه می کرد، امام آنآ چنان منقلب می شدند و شروع به گریستن می نمودند که می دیدیم اشک مهلت نمی دهد. از هر دو چشم امام چنان اشک می ریخت که پهنای صورتشان را می گرفت. و در یک کلام به پهنای صورتشان اشک می ریختند.

راستی این چه حالتی بود که در امام می دیدیم و می دیدند؟ این حالت ما را به یاد جد بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - می اندازد که شاعر می گوید:

هوالبکاء فی المحراب لیلاً
هوالضحاک اذا
اشتدّ الظراب

یعنی: علی - علیه السلام - دارای دو جنبه متضاد بود: شبانه در محراب صدای گریه اش بلند است، ولی در میدان جنگ لبخند بر لب داشت.

توسل به امام فقید برای احیای فرهنگ عاشورا

پس از بازگشت امام خمینی به وطن و تعیین دولت موقت، چنانکه همه می دانیم، امام از تهران به قم رفتند و ماندگار شدند، ولی چون دولت موقت نتوانست انجام وظیفه کند، در حوادث کردستان امام خود به تهران بازگشتند و تا پایان عمر هم در تهران بودند.

در ایامی که امام در قم اقامت داشتند، دو سه هفته مانده به ماه رمضان 1399 خطیب نامی عصر، جناب آقای فلسفی تلفن کردند و فرمودند، ماه رمضان نزدیک می شود، من و عده ای از وعاظ مشهور تهران عازم قم هستیم که خدمت امام برسیم، و از ایشان رهنمودی برای ماه مبارک رمضان بگیریم، چون کار چنان حاد است که فقط با اعلام رسمی امام می توان منبر را به صورت اول برگردانید. گفتم، من که منبری رسمی نیستم. فرمودند، باید بیایی، چند اتومبیل جلو خانه ما آماده است، فردا فلان ساعت حرکت می کنیم، حتماً باید بیایی. به خانه جناب آقای فلسفی رفتیم و عازم قم شدیم. به امام اطلاع دادند که آقای فلسفی با وعاظ مشهور تهران آمده اند که برای ماه رمضان رهنمود بگیرند.

امام تشریف آوردند و در جمع ما نشستند. جناب آقای فلسفی در سخنان کوتاهی گفتند: **آقا، اطلاع دارید که در سنوات اخیر منبر و مسئله**

گریستن و عزاداری امام حسین چه وضعی پیدا کرده است. به مردم القا کرده اند که عزاداری یعنی چه، و روزه و گریه کردن چه چیزی را حل می کند، و از این قبیل مطالب. اهل منبر سخت در فشارند، مردم همه کم و بیش بی تفاوت شده اند. آمده ایم از حضرتعالی رهنمود بگیریم. واقعاً تکلیف ما چیست. در منبر بخصوص ماه مبارک رمضان و محرم و صفر اکتفا کنیم به سخنرانی خشک، یا چنان که سابقه داشته، ذکر مصیبت هم بکنیم و روزه بخوانیم؟ (قریب به این مضمون).

پاسخ قاطع امام خمینی:

امام فقید در پاسخ جناب آقای فلسفی مطالب بسیار جالبی بیان داشتند که همان نیز نقطه عطفی در احیای فرهنگ عاشورا بود. اگر آن بیانات قاطع و صریح امام نبود، وضع حاکم بر افکار جوانان آن روز رفته رفته «فرهنگ عاشورا» را به دست فراموشی می سپرد و معلوم نبود کار به کجا بکشد.

درست به یاد ندارم که رادیو و تلویزیون و جراید چه مقدار از بیانات امام را منعکس کردند، ولی هرچه بود، قضیه در اندک زمانی در همه جا انعکاس یافت و به اصطلاح سد شکسته شد و راه را برای اشاعه فرهنگ عاشورا گشود.

جالب است که اوج انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی از بیانات آن حضرت در روز عاشورای سال 1383 و 12 محرم آن سال، مطابق 15 خرداد 1342 آغاز شد و به ثمر رسیدن آن هم با راهپیماییهای میلیونها نفری مردم تهران و شهرستانها در روزهای تاسوعا و عاشورا و اربعین سال 1399 قمری بود، که به دنبال آن، شاه از کشور خارج شد و امام فقید در 12 بهمن 1357 پس از چهارده سال دوری از وطن به کشور بازگشتند و انقلاب اسلامی را در 22 بهمن همان سال به ثمر رساندند، و در 12 فروردین 1358 جمهوری اسلامی ایران را تأسیس نمودند.

روضه و گریه، اسلام را حفظ کرده است

در آن جلسه امام خمینی - قدس سره - در پاسخ آقای فلسفی سرآمد وعاظ و خطبای ایران، ضمن بیانات مفصلی تصریح کردند **که اگر روضه و گریه و نوحه سرایی و عزاداری امام حسین(ع) و شهدای کربلا نبود، اسلام با اعمال بنی امیه از بین رفته بود. کربلا و فرهنگ عاشورا، اسلام را حفظ کرد، و باید این مکتب به همان سبک سنتی آن حفظ شود. سرآغاز و قسمتی از بیانات امام بدین گونه است:**

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند جمله راجع به تکالیف کلی روحانیون و اهل محراب و منبر باید عرض بکنم و بعد مشکلاتی که هست. آقایان روحانیون، و خصوص اهل منبر، خطبا، اینها سخنگوی اسلام هستند. اگر حکومتی سخنگو می خواهد، سخنگوی اسلام، آقایان خطبا هستند.... **سید الشهداء به داد اسلام رسید، سید الشهداء اسلام را نجات داد. روزه سید الشهداء برای حفظ مکتب سید الشهداء است.** آن کسانی که می گویند روزه سید الشهداء را نخوانید اصلاً نمی فهمند مکتب سید الشهداء چه بوده و نمی دانند یعنی چه؛ نمی دانند این گریه ها و این روزه ها حفظ کرده این مکتب را. الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روزه ها و با این مصیبتها و با این سینه زنیها ما را حفظ کرده اند؛ تا حالا آورده اند اسلام را. این عده از جوانهایی که این طور نیستند که سوء نیت داشته باشند خیال می کنند حالا باید ما حرف روز بزنیم! حرف سید الشهداء حرف روز است، همیشه حرف روز است، همیشه حرف روز را سید الشهداء آورده است دست ماها داده و سید الشهداء را این گریه ها حفظ کرده است و مکتبش را، این مصیبتها و داد و قالها حفظ کرده؛ این سینه زنیها و این دستجات، و عرض می کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدّسی بود و توی اتاق و توی خانه می نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، نمانده بود چیزی، هیاهو می خواهد.

هر مکتبی هیاهو می خواهد، باید پایش سینه بزنند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن

نباشد، حفظ نمی شود. اینها اشتباه می کنند، بچه اند اینها! نمی دانند که این نقش روحانیت و نقش اهل منبر چی هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید! این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که هی آب به آن می دهند زنده نگه داشته، این گریه ها زنده نگه داشته مکتب سید الشهداء را؛ این ذکر مصیبتها زنده نگه داشته مکتب سید الشهداء را. ما باید برای یک شهیدی که از دستان می رود عَلمِ بپا کنیم، نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم؛ فریاد کنیم. دیگران می کنند، دیگران فریاد می زنند وقتی یکی از آنها کشته بشود. فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود، میتینگها می دهند؛ فریادها می کنند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سید الشهداء. و اینها ملتفت نیستند. توجه ندارند به مسائل.

همین گریه ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی ها، همینهاست که ما را زنده نگه داشته، همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سید الشهداء نبود، این نهضت هم پیش نمی برد، سید الشهداء همه جا هست: کُلُّ أَرْضِ کربلا. همه جا محضر سید الشهداء است، همه منبرها محضر سید الشهداء است، همه محرابها از سید الشهداء است.

اگر سید الشهداء نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را مَنسی کرده بودند. اگر نسیان نشده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی داشتند معرفی می کردند. اگر سید الشهداء نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند؛ به جاهلیت برمی گرداندند. اگر حالا من و تو هم مُسلم بودیم، مُسلم طاغوتی بودیم! نه مُسلم امام حسینی. امام حسین نجات داد اسلام

را. ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته کشته شده هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضتها؛ این نهضتها مرهون امام حسین - سلام الله علیه - هست. نمی فهمند اینها! بچه اند اینها، سوء نیت ندارند. بله خوب، ممکن است بعضی از آنها هم سوء نیت داشته [باشند] بعضیها هم روی نقشه کار بکنند همان طوری که زمان رضا خان. منتها او یک قدری روی نفهمی کرد، بعدها روی فهمیدگی. جلوی منبرها را همه را گرفت نگذاشت کسی منبر برود. محرابها را هم همه را یک جور دیگر کرد و گرفت. یک مجلس روضه ای نداشتیم. در همه قم - آن قدری که آن وقتها بود - می گفتند یک مجلس آقای صدوقی بود که قبل از اذان، شاید، یا قبل از آفتاب، تمام می شد، شب بود، این یک مطلبی بود. نه این است که مِنْ بَابِ اتفاق رضا خان آمد منبرها را نگذاشت و محرابها را جلویش را گرفت و روحانیون را متحد الشکل کرد، نخیر، مسأله نقشه بود، نقشه اینکه این قوه را بکوبند، این قوه محراب و منبر که از آن می آید یکدفعه یک ملت را هول بدهد به یک طرف، و یک همچو سلطنت را از بین ببرد، این را از بین ببرند؛ این قدرت را از دست ما بگیرند.

نمی دانند این قشرهای سیاسی که چه خدمتی این منبر، این محراب، به این کشور کرده. اینها چنانچه ملی هستند - ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه - اگر ملی هستند، اگر کشورشان را می گویند می خواهیم، اگر ملت را می گویند که ما می خواهیم، اینها باید دامن بزنند به این روضه خوانیها، برای اینکه این روضه خوانیها این ملت شما را حفظ کرده، این روضه خوانیها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ

کرده. بله، چنانچه یک مردمی هستند که روی همان نقشه ای که طرح شده است، که باید قدرت اسلام گرفته بشود و قدرت روحانی گرفته بشود و قدرت خطیب گرفته بشود تا راه باز بشود برای آنهایی که باید استفاده کنند و استفاده کردند، آنها یک مردم دیگری هستند که با آنها نمی توانیم حرف بزنیم. اما سایر مردم، اینهایی که مسجد می آیند، منبر را گوش می کنند، مطالب را گوش می کنند، همچو که به روضه می رسند، رد می شوند می روند، این از باب این [است] که ملتفت نیستند چه هست آن. روضه است که این محراب، که این منبر، را حفظ کرده. اگر آن روضه نبود، این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود، آن حفظ کرده. ما باید به شهیدمان گریه کنیم؛ فریاد کنیم؛ مردم را بیدار کنیم. البته یک مطلبی هم که باید بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه اش قضیه این نیست که ما می خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می خواهیم پیشرفت کنیم. سید الشهداء هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه خوانی می کنید، حرف می زنید، خطبه می خوانید، نوحه می خوانید، مردم را به گریه وادار می کنید، مردم هم که گریه می کنند؛ همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعرخوانی، با این نثرخوانی، ما می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم. چنانچه تا حالا هم حفظ شده. باید این نکته هم به مردم گفته بشود، تذکر داده بشود، که آقا قضیه روضه خوانی قضیه این

نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند، قضیه این است که با گریه حفظ شده است این، با گریه این حفظ شده، حتی «تباکی» هم ثواب دارد. خوب، تباکی چرا ثواب دارد، برای اینکه تباکی کمک می کند به این مکتب؛ کمک به مکتب می کند. اینها اشتباه است که اینها یک طرف قضیه را می بینند، یک طرف قضیه را نمی بینند و مع الأسف ما همیشه - یعنی اسلام همیشه مبتلا بوده به این یک طرف دیدنها؛ همیشه مبتلا بوده.

اینکه در روایت است که اسلام غریب است، از اول غریب بوده و الآن هم غریب است، برای اینکه غریب آن است که نمی شناسند او را. در یک جامعه ای هست او، اما نمی شناسند، نمی شناسند اسلام را، هیچ وقت شناخته نشده...»^۵

تداوم فرهنگ عاشورا توسط امام فقید

در سالهای پس از بازگشت امام به وطن، چه مدتی که در قم بودند، و چه سالهایی که تا پایان زندگانی در تهران و حسینیّه جماران به سر می بردند، همه در تلویزیون می دیدند که امام فقید پس از شهادت آیت الله شهید مطهری، یا فاجعه حزب جمهوری و شهادت هفتاد و سه چهار تن، آیت الله شهید بهشتی و سایر علما و رجال محبوب کشوری، شهادت محمدعلی رجایی رئیس جمهور محبوب و دکتر محمدجواد باهنر نخست وزیر روحانی و مورد احترام امام، و هنگامی که رزمندگان به حضورشان

صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۹ و ۵۲۶-۵۳۰^۵

می رسیدند و مواردی دیگر، هر گاه امام سخن می گفت، و از آن حوادث دردناک یاد می کرد، و صدای ناله و گریه و زاری حاضران بلند می شد، حتی یک بار هم دیده نشد که امام خم به ابرو بیاورند، فقط آثار تأسف و تأثر در چهره شان پیدا بود، ولی همین که در ایام سوگواری عاشورا آقای کوثری ذاکر اهل بیت از شهدای کربلا نام می برد، امام دستمال سفید را به صورت می گرفتند و به پهنای صورت تا آخر روضه اشک می ریختند، و چون دستمال را از صورت برمی داشتند، به خوبی معلوم بود که چقدر گریسته اند. هنوز هم وقتی مردم آن صحنه ها را در تلویزیون می بینند، منقلب می شوند و بی اختیار می گریند، و این حالت خاص امام فقید در شناخت فرهنگ عاشورا بخوبی در نظرها مجسم می شود.

همانطور که گفتیم، مبدأ انقلاب اسلامی توسط امام خمینی، سخنرانی ایشان در روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم، و ملتهای آن نیز یاد کربلا و فرهنگ عاشورا بود. ملت ایران و جهانیان دیده اند، و هم اکنون در فیلمهای ایام جنگ هشت ساله تحمیلی می بینند که مهیج ترین پیشبند رزمندگان اسلام در جبهه های حق بر ضد باطل، «یا حسین شهید» و مشهورترین شعار آنها سخن سیدالشهدا در روز عاشورا بود که می گفت: «هیئات منا الذله»، و انقلابی ترین نوایی که سر می دادند هم، «برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه ها» بود.

من عقیده دارم و شاید عقیده همه باشد که اگر یاد امام حسین و کربلا و فرهنگ عاشورا نبود که امام فقید در تمام مراحل انقلاب به آن توجه داشتند و همه را به حفظ آن توصیه می فرمودند، انقلاب اسلامی ملت ایران به ثمر نمی رسید، و جنگ تحمیلی ابرقدرتها به میانداری رژیم بعث عراق بر ضد ایران اسلامی، بدان گونه پایان نمی یافت که یک وجب از خاک ما به دست دشمن نیفتد، آن هم با فقدان همه گونه امکانات و محاصره همه جانبه ما توسط دول استکباری.

قبساتی از پیامها و بیانات امام خمینی، احیاگر فرهنگ عاشورا در رابطه با حفظ این فرهنگ که در تداوم نهضت اسلامی ملت ایران نقش اساسی داشته است

برای اینکه بدانیم امام خمینی - قدس سره - در تمام مراحل نهضت، فرهنگ عاشورا را مدنظر داشته و آن را ضامن نهضت اسلامی و تداوم آن می دانسته اند، قبساتی از پیامها و بیانات آن حضرت - قدس سره - در مقاطع مختلف زمانی را در این جا می آوریم، و توجه خوانندگان را به آن معطوف می داریم، تا شاهی گویا برای منظور ما در این نوشتار کوتاه باشد، که «امام خمینی احیاگر فرهنگ عاشورا» است.

امام خمینی - قدس سره - در پیام رسمی و کتبی خود که از فرانسه در تاریخ 1357/11/2 به ملت ایران در رابطه با کشتار وحشیانه رژیم شاه در ماه محرم آن سال داده اند، از جمله می نویسند:

محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خدا

«... سلام و درود بر ملت بزرگ هوشمند ایران که با همه اختناق و فشار، از اسلام عدل پرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خداوند بر مقتولین 15 خرداد (دوازده محرم)، و 19 دی و (29 محرم) امسال. محرم چه ماه مصیبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده ای است، محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فدا شدن دانست؛ و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر.

نهضت 12 محرم (15 خرداد) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند...»^۶

همان، ج 3، ص: 314^۶

چرا امام حسین(ع) قیام کرد؟

«ما حجتان بر اینکه اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صد هزار نفر از ما کشته بشود، برای دفع ظلم اینها و برای اینکه دست آنها را از مملکت اسلامی کوتاه کنیم ارزش دارد، حجتان هم کار حضرت امیر- سلام الله علیه- و کار سید الشهداء- سلام الله علیه- است. یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود و- عرض می کنم که- همه بساط سلطنت را یزید داشت. بعد از معاویه او بود دیگر. حضرت سید الشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظل الله» طرف شد؟! «سلطان را نباید دست زد»! به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت من خلیفه پیغمبر هستم! برای اینکه یک آدم قاچاق بود! برای اینکه یک آدمی بود که می خواست این ملت را استثمار کند، می خواست بخورد این ملت را، منافع ملت را می خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند.»^۷

محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

بسم الله الرحمن الرحيم

« با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال طلبان و حق گویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائرانه می کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد پیاخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید.»^۸

لزوم ایستادن در برابر سلطان جائر

«... بار دیگر دست جنایتکار شاه از آستین خیانتکار دولت یاغی نظامی بیرون آمد، و ملت ایران را در آستانه ماه محرم، ماه مقابله اسلام و حق و عدالت با جنود شیطان و طاغوت، به خاک و خون کشید... اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی، در مقابل هواداران قرآن و اسلام

همان، ج 5، ص: 75^۸

و مخالفان سرسخت رژیم طاغوتی ابو سفیانی، صف بندی نموده و می خواهند شعارهای اسلامی و حسینی را، که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن، به جای سلطه شیطان، و حکومت قانون عدل در مقابل قانون جنگل است ... این ملت، شیعه بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود، و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود، و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام - علیه السلام - با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می نماید، و پرچم اسلام را در پهنه کشور و بلکه کشورها به اهتزاز در می آورد»⁹

در برابر سلطان جائر باید ایستاد

«از حضرت سید الشهداء - سلام الله علیه - خطبه ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت ذکر فرموده اند. و آن این است که فرموده اند خطاب به مردم که پیغمبر اکرم فرموده است کسی که ببیند یک سلطان جائری حلال می شمرد حُرْمَتِ الله را، چیزهایی را که خداوند حرام کرده است این آزاد می گذارد، و مخالف سنت رسول الله عمل می کند و عهد خدا را می شکند، اگر کسی دید یک سلطان جائری این کارها را می کند و مع ذلک ساکت شد و تغییر نداد با

همان، ج 5، ص: 152 و 153⁹

قول خودش، با عمل خودش این انحرافی که سلطان جائر پیدا کرده است تغییر نداد، خدای تبارک و تعالی حتم کرده است، حتم است بر او که این آدمی که ساکت شد در مقابل این سلطانی که حرمت احکام خدا را نگه نمی دارد، مخالف سنت رسول الله عمل می کند و عهد خدا را می شکند، این ساکت بشود در مقابل یک همچو سلطانی و قولاً و عملاً تغییر ندهد مسیر این سلطان جائر را، حتم است بر خدای تبارک و تعالی که جای او را هم جای همان سلطان جائر در آخرت قرار بدهد. یعنی این سلطان جائر که این طور اوصاف را دارد: سنت پیغمبر اکرم را تغییر می دهد و عهد خدا را می شکند و حرمت الله را سزاوار و رها می کند یعنی مُسْتَحِلّ است، و لو این آدم که این چیزها را از این آدم می بیند و ساکت است، همه کارهای واجب و مستحب هم به جا بیاورد، آدمی باشد که سه وقت نماز می خواند، در مساجد می رود، آدمی باشد که احکام خدا را همه را ترویج می کند، موافق رضای خدا عمل می کند، همه کارهای خوب را می کند، از همه کارهای بد هم اجتناب می کند، لکن ساکت است در مقابل سلطان جائر، به حَسَب این روایتی که نقل شده است از سید الشهداء - سلام الله علیه - که به منزله علت قیام ایشان است بر ضد حکومت وقت، این است که می خواهند عمل به قول رسول الله بکنند که مبادا یکوقت تخلف بکنند و کسی که تخلف بکند جای او همان

سلطان جائر است؛ یعنی در هر طبقه ای از جهنم که سلطان جائر، یک همچو سلطان جائری جا دارد، این آدمی هم که ساکت است که این سلطان جائر هر کاری می خواهد بکند، ساکت است او، جایش جای همین سلطان جائر است...

حالا ما ببینیم چه کرده است که حضرت سید الشهداء - سلام الله علیه - در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده اند و برنامه داده اند. حضرت سید الشهداء مطلبی را که فرموده اند، این مال همه است. یک مطلبی است عمومی: مَنْ رَأَى هر که ببیند، هر کسی ببیند یک سلطان جائری این طور اتصاف به این امور را دارد، و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حَسَب ظاهر متشبهت به اسلام بود و خودش را خلیفه پیغمبر حساب می کرد و نماز هم می خواند و همه این کارهایی که ماها می کنیم آن هم می کرد؛ اما چه می کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود؛ مخالف سنت رسول الله می کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافتش عمل می کرد؛ باید حفظ دِماء مسلمین بشود، او دماء مسلمین را می ریخت؛ باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می داد مال مسلمین را. همین شیوه ای که پدرش معاویه هم داشت و امیر المؤمنین هم قیام کرد در مقابل او.

منتها حضرت امیر لشکر هم داشت ولی سید الشهداء عدد خیلی کمی
[داشت] در مقابل یک ابرقدرت.

ما می بینیم که این کارهایی که او کرده است، به این حکام وقت ما و به
سلطان وقت ما تطبیق می شود؟ این مسائلی که رسول الله فرموده است،
اینها تطبیق می شود بر این؟ سلطان است؟ جائز است؟ اینها معلوم که
الآن سلطه دارد؛ «سلطان» یعنی سلطه. الآن سلطه دارد و جائز هم هست.
خودش هم شاید قبول داشته باشد که جائز است. همه کس هم می داند
که این آدم جائز است. خوب، مخالفت سنت رسول الله را نکرده؟ هر
چه رسول الله فرموده است، ایشان عمل کرده؟! یا اقوال رسول الله را به
حساب نمی آورند اینها؟ اینها سنت رسول الله را به حساب نمی آورند؟
بله، در ایام عمرش برای اینکه من و شما را بازی بدهد، یک دفعه هم می
رود به حرم حضرت رضا و آنجا یک - دو رکعت نماز هم می خواند! من
هم نمی دانم با چه حالی می خواند! یک - دو رکعت نمازی هم آنجا می
خواند و یک حرفهایی هم آنجا می زند و این چیزها. این برای اغفال من
و شماست.»^{۱۰}

فرارسیدن اربعین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

« اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان - صلوات الله و سلامه علیه -
رسید. بر ملت رشید و آگاه ما «اربعین» های سودمندی گذشت. ما در
این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با
چه مصیبت‌هایی و بی فرهنگی‌های خانمانسوزی مواجه بوده ایم ...

امسال اربعین امام امت در خلال اربعین های پیروان و شیعیان آن
بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک
شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران
می باشد؛ خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون
پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و
نمونه است؛ راهپیمایی و تظاهرات پر شور در این اربعین وظیفه شرعی و
ملی است.»^{۱۱}

همان، ج ۵، ص: ۴۷۷^{۱۱}

عشق امام حسین(ع) در دل همه اقشار مردم ایران

چند سال قبل وقتی اهن های حرم امیرالمومنین در نجف را که در کارخانه ماشین سازی خرم اباد ساخته بودند از خرم اباد بر روی تریلی ها حمل می کردند تا به عراق ببرند. در مسیر راه می دیدم که مردم بخصوص جوان ها چشمشان به این اهن ها می افتاد منقلب میشدند و دنبال این تریلی ها می دویدند و اشک می ریختند و علاقه خود را به اهل بیت نشان می دادند.

این عشق خالصانه مردم بویژه دختران و پسران ایران اسلامی به امام حسین (ع) نظیر ندارد.

"امام خمینی(ره) و زیارت عاشورا

حجه الاسلام و المسلمین فردوسی پور که از یادگاران جریان هفت تیر بودند می گویند:

روز اول محرم در نوفل لوشاتو بودیم و کار مهمی پیش آمد. خدمت امام رفتم.

امام در داخل اتاق، تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می خواندند. به من گفتند: لطفا تا نیم ساعت مزاحم من نشوید.

گفتم: آقا بعضی وقت ها کار مهمی پیش می آید. حضرت امام فرمودند: مهمتر از زیارت عاشورا؟ ما هر چه داریم از زیارت عاشورا و اباعبدالله داریم...

با همین سوز که دارم بنویسید حسین

هر که پرسید ز یارم بنویسید حسین

ثبت احوال من از ناحیه ارباب است

همه اهل و تبارم بنویسید حسین

خانه آخرتم هست قدمگاه حبیب

سر در قصر مزارم بنویسید حسین

هر که پرسید چه دارد مگر از دار جهان

همه دار و ندارم بنویسید حسین

من دلم را ز شکیبایی زینب دارم

همه صبر و قرارم بنویسید حسین

هیچ شعری ننویسید بروی کفنم

با گل تربت یارم بنویسید حسین

تا نپرسند ز من هیچ سؤال آن ملک

به روی سینه زارم بنویسید حسین

گلشن و باغ و بهشتم همه در هیئت اوست

همه باغ و بهارم بنویسید حسین

روی پیشانی من هرچه که بیمار شدم

با همه حال نزارم بنویسید حسین

...هر که پرسید که در چله نشینی چه کنم؟

اربعین با که گذارم؟ بنویسید حسین

دست بر شاکله هیئت من زنید

گفت یارم به عذارم بنویسید حسین

آری از کرب و بلایش نتوان دست کشید

حاجت قافله دارم بنویسید حسین

کلید موفقیت آیت الله مجتهدی تهرانی (رضوان الله تعالی علیه)

علت موفقیت من، همین مجالس توسل و روزه خوانی و سینه زنی در کنار درس های طلبگی است. از زمانی که طلبه بودم، پنج شنبه ها در منزلمان روزه برقرار می کردم. وقتی هم که به قم رفتیم، مجلس روزه مان در قم برپا بود.

وقتی هم نزد استادمان حاج شیخ علی اکبر برهان در مسجد لرزاده تهران بودیم، ایشان هفته ای یک شب، سینه زنی می کردند و می فرمودند: من هرچه دارم از همان روزه ها و سینه زنی هایی است که برای اهل بیت گرفته ام. مرحوم مجتهدی در مجالس روزه خوانی چای بازمانده در استکان را که دیگری خورده بود، به عنوان تبرک میخورد.

شیخ حسین انصاریان می فرمودند

روزی از روزها دیدم که شخصی در کنار پیاده رو به علامه طباطبایی [?] رسید و از معظم له سوالاتی می کند

یکی از سوالات آن شخص این بود که آقا می شود بفرمایید از چه راهی [?] به این مقام و مرتبه رسیده اید تا ما هم از شما درس گرفته و آن مسیرها را طی کنیم

علامه طباطبایی بسیار آرام و بی آلایش فرمودند [?]

راه های زیادی بوده و هست ولی از میان این راه ها آنچه برایم بسیار [?] قابل اهمیت است و بیشتر به آن ها اهتمام می ورزم و افتخار می کنم و مطمئنم از همه بهتر است دو راه است

نماز شب با اخلاص و مداوم [?]

گریه بر حضرت امام حسین علیه السلام [?]

داستان آسمان، ص ۱۵۴ [?]

عاشورا روز تقابل حق و باطل: روز عاشورا از مهمترین روزها در تاریخ بشریت هست. روز تقابل حق و باطل بوده است. روز پیروزی خون بر شمشیر بوده است. اگر چه در روز عاشورا امام حسین علیه السلام و یارانش بشهادت رسیدند و خانواده اش به اسارت رفتند ولی پیروز این روز، امام حسین علیه السلام بوده است. زیرا می بینیم که راه امام حسین و نام حضرت هر روز با عظمت تر و با عزت تر میشود و عاشقان حسین هر روز از قبل بیشتر می گردد و حرم حضرت روز بروز ابادتر می شود ولی بر عکس یزیدیان منفور تر و مورد لعن قرار می گیرند و اثری از

قبر آنان نمی باشد. مساله شهادت امام حسین علیه السلام ان چنان در جهان هستی اثر گذار است که همه پیامبران روضه امام حسین علیه السلام را خوانده اند از ادم علیه السلام تا پیامبر اسلام. در روایتی می خوانیم : حضرت موسی بن عمران در مناجات خود عرضه داشت : بار خدایا! چرا امت حضرت محمد را بر دیگر امت ها برتری دادی ؟ خطاب آمد: به خاطر ده چیز. حضرت موسی عرض کرد: آن ده چیز کدام است تا به بنی اسرائیل بگویم عمل کنند؟ فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم و عاشورا. حضرت موسی عرض کرد: عاشورا چیست ؟ خطاب رسید: عاشورا عبارت است از گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن و نوحه و مرثیه خواندن در عزای سبط رسول خدا ای موسی ! هیچ بنده ای از بندگانم بر حسین و مظلومیت او گریه و ناله نمی کند مگر این که اهل بهشت خواهد بود.

از حدیثی از حضرت رضا(ع) فهمیده می شود کار کردن تنها در روز عاشورا منع شده است , نه تاسوعا; وانگهی کار در روز عاشورا حرام نیست ; مکروه است چون خیر و برکت و یمن ندارد.

شاید علّت کراهتش این باشد که وقتی امام حسین با آن عظمتش برای حفظ اسلام و ناموس و شرف و انسانیت ، جان خود و فرزندان و بستگان و در یک کلمه همه چیز را در راه خدا داده و با بدن چاک چاک و عریان روی خاک تقطیدهء کربلا افتاده است ، شایسته نیست انسان در چنین روزی برای زندگی دنیوی ذخیره ای تهیه نماید، بلکه بسیار به جا است در تکایا و مساجد و مجالس عزا شرکت کرده و برای امام و خاندانش گریه نموده و حالت حزن و اندوه بگیرد. ذکر مصیبت های حضرت باعث تقرب الی الله هست.

درخواست هجده مقام در زیارت عاشورا

در زیارت عاشورا چیزی حدود هجده دعا میکنیم
که متناسب با آن، هجده مقام را از خدا میخواهیم

درخواست های انسان در زیارت عاشورا، دنیوی و مادی و فانی نیست،
بلکه همگی معنوی است.

بعضی از این مقام ها به قدری بالاست که اگر زیارت عاشورا وجود
نداشت، نمی توانستیم باور کنیم که کسی جرأت درخواست آنها را از
خدا داشته باشد.

اینها خیلی خواسته های بزرگی هست و انسان از آنها درجات سلوک را
یاد می گیرد، چون از پایین شروع می شود و به بالا میرسد.

و اما آن مقام ها:

مقام خونخواهی امام حسین علیه السلام - ۱

ان یرزقنی طلب ثارک -

اینکه کسی بخواهد خونخواهی امام حسین را بکند، مقام خیلی بالایی
است، چون خونخواه اصلی ابی عبدالله، امام زمان است.

مقام وجاهت عند الله - ۲

(آبرومندی نزد خدا)

اللهم اجعلني عندك وجيها -

(بالحسين ع)

مقام معيَّت (همراهی) با معصوم -۳

ان يجعلني معكم في الدنيا و الآخرة -

مع امام منصور -

این درخواست، بسیار ویژه است، چون تمام اولیاء وانبیاء

.(آرزویش را داشته‌اند

مقامی که درخواست می‌کنیم تمام مراحل زندگی ما، درهم‌تنیده با -۴

معصوم باشد

...اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد -

مقام شهادت - ۵

و مماتی ممات محمد و آل محمد -

چون مرگ همه معصومین از پیامبر تا امام حسن عسکری علیهم السلام،
با شهادت بوده.

رسیدن به مقام محمود - ۶

ان يُبَلِّغُنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودِ -

در قرآن آیه‌ای داریم که به پیامبر میگوید: نماز شب بخوان تا به مقام
محمود برسی. مقام محمود از نگاه بیشتر مفسران، یعنی مقام شفاعت
خود شفاعت شدن، یک مقامی است که به هر کسی نمیرسد (لا یملکون
(الشفاعة... شفاعت به هر کس نمیرسد

حالا یک مقامی هست که از شفاعت شدن بالاتر است و آن هم مقام
شفاعت کردن است و ما در این فراز، این را از خدا می‌خواهیم

مقام مشارکت در مصیبت ولیّ معصوم -۷

لقد عظمت الرّزیه... بک علینا -

...و اسئل الله بحقکم... ان یعطینی بمصابی بکم -

(یعنی مصیبت شما را، مصیبت خودم میدانم)

الحمد لله علی عظیم رزیتی -

(دقیقاً در اینجا است که انسان مصیبت را برای خودش میداند)

.این مقام، خیلی عظیم است و خیلی باید درباره اش بحث کرد

حکایت زیارت عاشورا، حکایت یکی شدن اهل بیت است، قرار است از

.این طریق، به شجره حیات متصل شویم

مقام برائت -۸

برای دوری و تبریّ جستن از بعضی جریانها و افراد و نیز بعضی (

خصوصیتها)

و بالبراءة من اعدائكم -

مقام لعن - ۹

این مقام، آن قدر مهم است که در زیارت عاشورا بر سلام اولویت دارد.
اول صد تا لعن می‌دهیم و بعد صد سلام

جاروب کن خانه را، سپس میهمان طلب) که اگر خانه دل جارو نکرده (
باشی در حقیقت لعن روزانه به خود می فرستی

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد -

نکته: چهره اصلی براءت و لعن، بعد از ظهور دیده میشود، چون ما مردم
اصلاً تا قبل از ظهور اطلاع نداریم کسانی که باعث و بانی ماجرای کربلا
بوده‌اند، ما را از چه نعمات زیاد و برکات بزرگی محروم کردند

ما الآن از دنیای بعد از ظهور چیزی نمی‌دانیم و درک نمی‌کنیم اصل براءت
در آن زمان اتفاق می افتد

مقام سِلْم - ۱۰

انی سلم لمن سالمکم -

و ولیّ لمن والاکم -

این مقام، عبارت است از مقام دوستی با دوستان و دوستداران اهل بیت،
برای تشکیل یک شبکه متحد در راه تحقق منویات این خاندان

مقام حَرَب - ۱۱

حرب لمن حاربکم -

این مقام، یعنی مقام دشمنی با دشمنان اهل بیت، برای پالایش آن شبکه
متحد و همچنین مبارزه با موانع رشد بشر

آیا شما فکر می کنید هر کسی میتواند به مقام مجاهدت برسد؟

مقام ایثار - ۱۲

ما در زیارت عاشورا این مقام رادرخواست میکنیم و لااقل ادای آن را
درمی آوریم.

ایثار یعنی بذل بهترین ها، و ما در زیارت عاشورا بهترین داشته های خود
را فدای امام میکنیم

بابی انت و امی -

مقام قربۀ الی الله - ۱۳

باید گفت: مقام قرب و نزدیکی به خدا، بالاترین مقام ممکن است، منتها
مراتب بالای آن فقط به کمک و دستگیری ولیّ خدا که در این مسیر
پیشتان است، ممکن میشود

...اللهم انی اتقرب الیک -

مقام دوستی و نزدیکی به اهل بیت - ۱۴

...انی اتقرب الی الله و الی رسوله -

این مقام نیز، امتداد مقام قربۀ الی الله است

مقام معرفت اهل بیت_ ۱۵

چرا که در حدیث داریم: من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتۀ (جاهلیۀ)

...اکرمنی بمعرفتکم و معرفۀ اولیائکم -

مقام ثبات قدم و اهل تزلزل نبودن ، مانند بوقلمون هر لحظه رنگ - ۱۶
عوض نکردن

ان یثبّت لی عندکم قدم صدق -

...ثبّت لی قدم صدق عندک مع الحسین -

مقام رجعت، که هرکسی قادر نیست به این مقام برسد - ۱۷

و ان یرزقنی طلب ثارکم مع امام منصور -

مقامی که خدابه مادرود بفرستد -۱۸

اللهم اجعلنی فی مقامی هذا ممن تناله منک صلوات و رحمۃ و مغفرۃ -

فی هذا الیوم و فی موقفی هذا و ایام حیاتی -

درخواست خود را محدود به زمان و مکان خاص نمیکنیم

(یعنی الآن و اینجا و همه روزهای عمرم)

...و لا جعله الله آخر العهد منی -

(یعنی الی الابد باشد و نه محدود به حال)

نعمت بزرگ وجود سیدالشهداء(ع)

یکی از نعمتهای بسیار بزرگ خداوند منان بر بندگانش، خلقت امام

حسین علیه السلام بوده است

امام حسین علیه السلام شخصیت بی نظیر عالم خلقت است که در

خداشناسی و در انسان شناسی خیلی روی بشریت تاثیر گذاشته اند و

این تاثیر تا روز قیامت ادامه دارد

امام حسین علیه السلام با حماسه عظیم خود در کربلا درسهای بزرگی به بشریت دادند و توانستند آموزگار بشریت بشوند.

امام حسین علیه السلام عده زیادی را هدایت کردند و هدایت می کنند. بسیاری از انقلابات علیه حکام بنی امیه و بنی عباس و دیگر پادشاهان ظالم حتی قیامهای مردم هندوستان علیه استعمار پیر انگلیس . و کشورهای دیگر، برگرفته از قیام حسینی بوده است .
و همان گونه که پیامبر خدا ص فرمودند . حقیقتا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات هستند.

علت مرخصی شهید بابایی در دوران خیلی حساس جنگ چه بود؟

سالهای پُرتبوتاب دفاع مقدس است... سالهای خون و آتش و دود... شهید بابایی، خلبان شجاع، پاکبخته و فدایی اسلام و انقلاب به دیدار حضرت امام می رود و در حالی که جاذبه ُ ملکوتی امام روح و روانش را تسخیر کرده است خطاب به حضرت ایشان می گوید:

- امام عزیز! می‌خواهم به گونه‌ای که در کار جنگ خللی پیش نیاید چند روزی به مرخصی بروم. اجازه می‌فرمایید؟
- در بحبوحهٔ جنگ کجا می‌خواهید بروید؟ -
- من در دههٔ اول محرم برای شستن استکان چای عزاداران به هیئت‌های جنوب شهر که مرا نمی‌شناسند می‌روم. مرخصی را برای آن می‌خواهم و گوش به زنگم که بلافاصله بعد از اعلام نیاز به جنگ بازگردم.
- به یک شرط اجازه مرخصی می‌دهم -
- هر چه بفرمایید با جان و دل می‌پذیرم -
- به این شرط که هنگام شستن استکان‌ها به نیت من هم چند استکان بشویی.

دیدم که عدو در پی سانسور حسین (ع) است

وحشت زده از روضه و هم شور حسین (ع) است

حیرت زده از گسترش نور حسین (ع) است

مستأصل و طوفان زده از زور حسین (ع) است

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

وقتی که حسین بن علی (ع) سبط نبی (ص) هست

پس دشمن او احمق و بدبخت و شقی هست

سرمايه ما عشق حسین بن علی (ع) هست

دشمن ز محرم نگران و عصبی هست

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

مدیون حسن (ع) گشته و ممنون حسینیم

با عشق حسن (ع) عاشق و مجنون حسینیم

ما منتقم محسن (س) و هم خون حسینیم

ما دشمن هر دشمن ملعون حسینیم
با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

ما ملت بیدار و سرافراز حسینیم
در خط حسن (ع) ما همه سرباز حسینیم

تبریز و قم و مشهد و شیراز حسینیم
ما ملت فرهنگ و شرف ساز حسینیم
با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

نزدیک ظهوریم و بین مسلم دوران
با خامنه ای باش و حمایت کن از ایشان
او مژده دوران ظهور است در ایران
این سید جانباز و همان پیر خراسان

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

زان روز که زینب (س) سپر تیر جفا شد

آغاز گر حرکت خون شهدا شد

او حافظ راه و منش کرب و بلا شد

از روز ازل خون حسین (ع) خون خدا شد

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

!اوضاع تل آویو چه زیبا و قشنگ است

بین خودشان فتنه و درگیری و جنگ است

جمهوری اسلامی ایران چه زرنگ است

چون غزه پر از موشک و انبار تفنگ است

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

صهیون که محرم هدفش بود جنایت

دیدیم حسین بن علی (ع) کرد عنایت

پس خورد عدو سخت شکستی به فضاحت

شد دست أباالفضل علی (ع) حامی ملت

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

یک مشت بهایی که خبیث اند و پلیدند

امروز همان حرمله و شمر و یزیدند

با کشف حجاب در پی دوران جدیدند

خضم آنچه که می خواست به آن پس نرسیدند

با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

این کشور ما ملت بیدار حسین (ع) است

با پیروی از خامنه ای یار حسین (ع) است
این عزت ایران قوی کار حسین (ع) است
هر جای وطن روشن از انوار حسین (ع) است
با سبط نبی (ص) هر که در افتاد ور افتاد

علی شیرازی [?]

[?] السلام علیک یا أبا عبد الله [?]

شهیدی که سر بی تنش سخن گفت

در جاده بصره خرمشهر شهید "علی اکبر دهقان" همین طور که می
دوید از پشت از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت و سرش از پیکر پاکش

جدا شد. در همان حال که تنش داشت می دوید، سرش روی زمین
غلتید. سرمبارک این شهید حدود پنج دقیقه فریاد " یا حسین، یا حسین "
سر می داد. همه رزمندگان با مشاهده این صحنه شگفت گریه می کردند
چند دقیقه بعد از توی کوله پشتی اش وصیتنامه اش را برداشتند، نوشته
بود: اَلْسَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ خدایا من شنیده ام که امام حسین (ع)
بالب تشنه شهید شده است، من هم دوست دارم این گونه شهید بشوم
خدایا شنیده ام که سر امام حسین (ع) را از پشت بریده اند، من هم دوست
دارم سرم از پشت بریده بشود. خدایا شنیده ام سر امام حسین (ع) بالای
نیزه قرآن خوانده، من که مثل امام اسرار قرآن را نمی دانم، ولی به امام
حسین (ع) خیلی عشق دارم، دوست دارم وقتی شهید می شوم سر بریده
ام به ذکر یا حسین (ع) باشد عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است
دادن سر نه عجب، داشتن سر عجب است بیاد شهدا و این شهید عزیز
راوی دفاع مقدس نظری محبوب [?] صلوات هدیه کنیم

روضه رو موتور

تا نشستیم روی موتور، حسین گفت

برام روضه بخون!..» هر چی بهونه آوردم»

زیر بار نرفت. گفت: «من چند شب دیگه، مهمون امام حسین (ع)

هستم! میخوام به آقا بگم همه جا برات گریه کردم؛ شب، روز، صبح،

ظهر، خلوت جلوت، توی سنگر، حسینیه، پشت خاکریز، پشت ماشین.

»!فقط مونده روی موتور گریه کنم

قسمم داد که براش روضه بخونم ^[۲]

یه سلام دادم به امام حسین (ع) و یه خط شعر ذکر مصیبت حضرت

علی اکبر (ع) خوندم. روضه تموم شده بود ولی هنوز داشت گریه

می کرد. رسیدیم به اردوگاه شهدای تخریب اما هنوز گریه اش تموم

نشده بود. چند دقیقه ایستادیم تا گریه اش بند اومد

چند شب بعد هم، میهمان حضرت شد؛ [?]

همانطور که گفته بود^{۱۲}

[?]

شهید_حسین_نیکو_صحبت#

شهید علی امرایی

علی امرایی تیر سال 1394 در راه دفاع از حرم حضرت زینب در سوریه
به شهادت رسید.

در وصیتنامه شهید علی امرایی آمده است

به نام آنکه هستی از آن اوست و حسین را آفرید تا عشق را به ما «
بیاموزد و ما در مکتب حسینش به کمالات برسیم؛ بنابراین با ذکر ارباب
بی کفن شروع می‌کنم تا بینم به کجا ختم می‌شود. السلام علیک یا
اباعبدالله الحسین(ع)... حمد و سپاس پروردگار هر دو عالم و سجده
شکر به درگاهش که مدیون حسین بن علی(ع) هستم و تمام زندگیم را از
از او دارم، چون خواست تا این گونه او را زیارت کنم، همانند خوابی که
دیدم که امام حسین(ع) از ضریح بیرون آمد و گفت تو هم مال این دنیا
نیستی و در آخر هم من رو سیاه را خرید؛ پس گریه و زاری معنا ندارد،
»چون به وصال عشقم رسیدم

مشخصات شهید: **شهید حاج یدالله کلهر** - قائم مقام لشکر 10 سید الشهداء
علیه السلام - تولد: 1333 - روستای بابا سلمان شهریار - شهادت:
1/11/1365 - کربلای 5 شلمچه - محل دفن: امامزاده محمد کرج

اول زیارت عاشورا

سفارشش نماز اول وقت بود

بعد از نماز هم کار همیشگی ش خوردن زیارت عاشورا؛ حتی اگه
مهمونی بود یا کار داشت یا موقع غذا بود تا زیارت عاشورا نمی خورد
نمی اومد

شب عاشورا یا توی مراسم دعا گریه اش دیدنی بود. طوری گریه می
کرد که همه بدنش می لرزید. توی عزای امام حسین سیاه می پوشید و
صف اول سینه می زد

خیلی ها عاشق عزاداریش بودند

وقت نوحه خونی و عزاداری کارشون شده بود نشستن کنار حاجی؛ بلکه
از حالت های معنویش تأثیر بگیرند...

مشخصات شهید: سردار شهید حاج عبدالحسین برونسی-فرمانده تیپ
18 جوادالائمہ از لشکر 5 نصر-تولد: 23/6/1321 گلبوی کدکن تربیت
حیدریہ-شہادت: 23/2/1363-عملیات بدر چہار راہ خندق

گلوی بریدہ حضرت علی اصغر علیہ السلام

گفت: «توی دنیا بعد از شہادت فقط یک آرزو دارم: اونم اینکہ تیر بخورہ
». «بہ گلوم

تعجب کردیم. بعد گفت: «یک صحنہ از عاشورا ہمیشہ قلبمو آتیش می
»زنہ؛ بریدہ شدن گلوی حضرت علی اصغر

والفجر یک بود کہ مجروح شد. یک تیر تو آخرین حد بردنش خوردہ
بود بہ گلوش

وقتی می بردنش عقب، داشت از گلویش خون می آمد

می گفت:

آرزوی دیگه ای ندارم مگر شهادت...

مشخصات شهید: روحانی شهید مرتضی زندیه - گردان تخریب لشکر
17 علی ابن ابی طالب - تولد: تهران - شهادت: کربلای 5 - شلمچه - محل
دفن: گلزار شهدای یافت آباد تهران

هذا محب الحسين عليه السلام

گریه کن امام حسین علیه السلام بود. از اونایی که گریه کردنش با بقیه
فرق می کرد. وقتی از مجلس روضه امام حسین می آمد بیرون
چشمانش سرخ شده بود، از بس گریه می کرد

کارهایش طوری تنظیم می شد که به روزه امام حسین علیه السلام
برسه.

هر جا روزه بود می دیدیش.

زیارت عاشورا می خوند، روزی چند بار.

«همیشه هم می گفت: «من توی بغل تو شهید می شم

حرف اون شد. تو بغل من شهید شد اونم با گلوی بریده. روی سنگ
قبرش با خط درشت نوشتند: «هذا محب الحسين عليه السلام

راوی: حاج حسین کاجی از گردان تخریب لشکر 17 علی ابن ابی طالب
علیه السلام

مشخصات شهید: شهید محمدباقر مؤمنی راد لشکر 32 انصار الحسین
علیه السلام تولد: 25/3/1344- همدان شهادت: 9/2/1365 والفجر
8- فاو محل دفن: گلزار شهدای همدان

«چرا این روزها کمتر زیارت عاشورا می خوانی»

قبل اذان صبح بود. با حالت عجیبی از خواب پرید.

گفت: «حاجی خواب دیدم. قاصد امام حسین علیه السلام بود. بهم
گفت: آقا سلام رساندند و فرمودند: «به زودی به دیدارت خواهیم آمد» یه
نامه از طرف آقا به من داد که توش نوشته بود: «چرا این روزها کمتر
زیارت عاشورا می خوانی؟»

همینجور که داشت حرف میزد گریه می کرد. صورتش شده بود خیس
اشک. دیگه تو حال خودش نبود

چند شب بعد شهید شد

امام حسین علیه السلام به عهدش وفا کرد...